

مجلس عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام - 6 / اردیبهشت / 1404

مجلس عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، پیش از ظهر امروز پنجشنبه ۴ اردیبهشت ۱۴۰۴، با حضور رهبر انقلاب اسلامی برگزار شد.

گزیده بیانات رهبر انقلاب در پایان مجلس عزاداری سالروز شهادت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

* در زمان امام صادق (علیه الصلاة والسلام) در تقدیر الهی - و نه در قضای محتوم الهی - بنا بوده یک تحوّل اتفاق بیفتد به نفع ائمه‌ی هدی (علیهم السلام). این را در روایات متعدّدی که وارد شده، انسان میفهمد. یک روایت از حضرت صادق (علیه السلام) است که میفرماید که «إِنَّ اللَّهَ قَدَّرَ هَذَا الْأَمْرَ فِي سِتَّةِ سَبْعِينَ». (۱) خدای متعال این امر را، یعنی امر امامت را - امامت به معنای واقعی را - در تقدیر خودش برای سال ۷۰ هجری گذاشته بود.

ببینید ؛ وقتی که امام حسن مجتبیٰ صلح کردند با معاویه، یک عده‌ای می‌آمدند گله میکردند و اعتراض میکردند. حضرت میفرمودند که: «ما تدری لعلّه فِتْنَةٌ لَكُمْ وَ مَتَاعٌ إِلَى حِينٍ» ؛ این تا یک وقتی است، این موقت است. یعنی در کلمات امام حسن مجتبیٰ (علیه السلام) اشاره شده به اینکه این حادثه، این تسلط کفر و نفاق، بنا نیست دائمی باشد ؛ در تقدیر الهی این موقت است. تا کی؟ تا سال ۷۰. یعنی طبق همین روایت، سال ۷۰ هجری بنا است هر کس از اهل بیت در قید حیات است، قیام کند و حکومت را به دست بگیرد، و امامت واقعی تحقق پیدا کند. بعد حضرت میفرمایند: فَلَمَّا قَتَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَأَحْرَهُ إِلَى مِئَةِ وَ أَرْبَعِينَ ؛ یعنی حادثه‌ی کربلا، این بی‌اعتنائی مردم به مبانی دینی، این إعراض آنها، اثرش این بود که این تقدیر الهی عقب افتاد تا سال ۱۴۰. ۱۴۰ زمان امام صادق (علیه السلام) است دیگر، که حضرت [سال] ۱۴۸ از دنیا رفتند. این را شیعه میدانستند. یعنی خواصّ شیعه میدانستند. لذا مثلاً در یک روایتی دارد که زراره به اصحابش - زراره که خب جزو نزدیکان است - میگوید لا تری علی أَعْوَادِهَا إِلَّا جَعْفَرًا ؛ (۲) اعواد، [یعنی] پایه‌های منبر، منبر خلافت ؛ یعنی من جعفر را دارم میبینم که روی این منبر خواهد نشست. این [جور] است.

یا در یک روایت دیگر باز همین زراره - چون زراره ساکن کوفه بود - پیغام میدهد به حضرت صادق (علیه السلام) و عرض میکند که یکی از دوستان ما از شیعیان مقروض شده و طلبکارها دنبالش هستند. او هم برای اینکه پول ندارد، گذاشته از شهر رفته، آواره شده. اگر این قضیه، یعنی قضیه‌ی خلافت، تا همین یکی دو سال بنا است انجام بگیرد - در روایت، هذا الأمر دارد ؛ [یعنی] اگر این قضیه بنا است همین یکی دو سال انجام بگیرد - خب این [شخص] باشد تا شما بیایی سر کار، و قضایا حل میشود ؛ اما اگر طولانی است، رفقا پول جمع کنند و قرض او را بدهند. (۳) یعنی کسی مثل زراره منتظر بوده که در همین یکی دو ساله مسئله تمام بشود. اینکه شما می‌بینید می‌آیند خدمت حضرت صادق و مدام میگویند آقا، چرا قیام نمیکنید، [چرا] قیام نمیکنید، ناشی از این است که منتظرند ؛ [یعنی] یک چیزی شنفته‌اند، یک مطلبی به گوششان رسیده.

بعد دنباله‌ی همان روایت که [سال] ۱۴۰ را معین فرمود، فرمود: شما افشا کردید، خدا عقب انداخت. یعنی اگر شیعیان دهنشان قرص بود و افشا نمیکردند، شاید همان وقت قضیه تمام میشد ؛ و شما ببینید تاریخ چقدر تغییر پیدا میکرد! اصلاً مسیر بشر یک مسیر دیگری میشد و امروز دنیا، دنیای دیگری بود. یعنی کوتاهی‌های ما، یک جا دهن‌لقی‌مان، یک جا کمک نکردنمان، یک جا اعتراض کردن بیخودی‌مان، یک جا صبر نکردنمان، یک جا تحلیل غلطی که از اوضاع میکنیم، گاهی تأثیر میگذارد - [آن هم] تأثیرات تاریخی - یعنی این جور مسیر را عوض میکند ؛

لذا خیلی باید مراقبت کرد.

و البته زندگی امام صادق (علیه السلام) زندگی فوق العاده‌ای است، زندگی عجیبی است، زندگی موفقی است از لحاظ اشاعه‌ی احکام الهی و روایات فراوانی که از آن بزرگوار و اصحاب ایشان داریم. البته این چهار هزار شاگردی که [برای حضرت] نقل میشود، شنونده خیال میکند که حضرت یک درس شروع میکردند، چهار هزار نفر آنجا می‌نشستند؛ این [جور] نیست. در طول عمر این بزرگوار چهار هزار نفر از ایشان روایت کرده‌اند – آن طور که حالا در آن کتاب هست – ایشان چهار هزار نفر راوی دارند؛ چهار هزار شاگرد به این معنا است؛ نه اینکه حالا چهار هزار نفر می‌نشستند پای درس ایشان و ایشان درس میدادند.

و ماها دوریم از زندگی ائمه؛ اطلاعاتمان کم است، هم از کلماتشان، هم از بیاناتشان، روایاتشان، و حالات زندگی‌شان.

این قضایایی هم که در روایات ما است و نقل میشود که ایشان را بردند پیش منصور و منصور به ایشان شدت خشم نشان داد، ایشان هم گفتند که «یابن عم! بزرگان، پیغمبران مظلوم واقع شدند، آنها بخشیدند، تو هم ما را ببخش»، اینها را بنده به طور قاطع میگویم دروغ است؛ به طور قاطع اینها واقعیت ندارد. امام با هیچ کس این جور حرف نمیزند؛ چه آن وقتی که خطر کشته شدن باشد، چه خطر کشته شدن نباشد؛ هر چه؛ امام اصلاً این جور حرف نمیزند. راوی [این حرف] کیست؟ ربیع؛ راوی اش ربیع خادم است! ربیع، خادم منصور است، یعنی همه کاره‌ی منصور است؛ یک فرد درباری دروغگوی مثلاً این جور. این [شخص] آمده نقل کرده که امام صادق این جور گفت. خب این برای از بین بردن روحیه‌ی شیعه ابزار خوبی است دیگر؛ لذا از نقل اینها مطلقاً باید اجتناب کرد. بعضی‌ها بی‌خودی نقل میکنند، در حالی که این روایات، روایات درستی نیست. ائمه درس استقامت و درس ایستادگی و درس منطق [میدادند]؛ و در سخن گفتن با منطق، استدلال، طرف را گیر انداختن.

شما ببینید حضرت زینب در مجلس ابن زیاد، در مجلس یزید چه جور حرف میزند! آن درست است؛ آن خط، خط درست ائمه است. هر کسی ایستادگی کند، در خط این بزرگواران دارد حرکت میکند. امروز هم اینهایی که در غزه، در لبنان دارند ایستادگی میکنند، اینها در واقع در خط همین ائمه‌ی دین، ائمه‌ی هدی دارند کار میکنند.

(۱) کافی، ج ۱، ص ۳۶۸ (با اندکی تفاوت)

(۲) رجال کشی، ص ۱۵۶

(۳) رجال کشی، ص ۱۵۷

تجلیل رهبر معظم انقلاب از برنامه‌های قرآنی ماه مبارک رمضان

حضرت آیت الله خامنه‌ای در پایان این مراسم که در آن «جمعی از فعالان قرآنی و دست‌اندرکاران برنامه‌های رسانه‌ی ملی در ماه مبارک رمضان» نیز حضور داشتند، گفتند: «امروز در جلسه‌ی ما الحمدلله قرآنی‌ها جمعند. خدا را شکر، امسال ماه مبارک الحمدلله یک ماه رمضان قرآنی بود؛ خدا را شکر. و در سرتاسر کشور به همت شما برادرها در هر جایی، در هر بخش، در صداوسیما و غیر صداوسیما مردم دلشان با قرآن بود. ما به این احتیاج داریم. این، آن چیزی است که کشور ما به آن احتیاج دارد، جوانهای ما احتیاج دارند. این تلاوت قرآن، این حفظ قرآن که من وقتی میبینم آنجا جوانها نشسته‌اند و قرآن را به اصطلاح با ترتیل میخوانند، حافظ از حفظ میخواند، از شدت خشنودی و

خوشحالی واقعاً منقلب میشوم ؛ الحمد لله ربّ العالمین. دنبال کنید. منتها ما در زمینه‌ی قرآن هنوز خیلی کار داریم ؛ کارهایی که باید انجام بگیرد. ما بایستی مفاهیم قرآن را که دریای عظیمی است، دریای عمیقی است، بین مردم خودمان و خوانندگان قرآن رواج بدهیم. الحمدالله خیلی خوب بود. خدا را شکر.»